

## گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup>

سید یوسف محفوظی\*

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

قاسم بستانی\*\*

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

نصره باجی\*\*\*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۴)

### چکیده

ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> مفسران راستین قرآن کریم هستند. آنچه امام معصوم درباره قرآن تفسیر می‌نماید، همان سخن قرآن است؛ چراکه آنان قرآن ناطق‌اند و علم تفسیر آن را از رسول خدا<sup>(ص)</sup> اخذ کرده‌اند. از آنجا که آن بزرگواران داناترین این افراد به معارف قرآن بعد از آن حضرت<sup>(ص)</sup> می‌باشند، در این تحقیق بر آن شدیم تا به روایات امام باقر<sup>(ع)</sup> در باب این علوم بپردازیم. مقاله حاضر گونه‌ها و روش‌های تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup> را بررسی کرده است و نتیجه می‌گیرد که امام<sup>(ع)</sup> در سخنان خود، بسته به ظرفیت و فضای حاکم، به روش‌های گوناگون، از جمله علوم قرآنی، تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر قرآن با سنت، جری و تطبیق، بیان تمثیل‌های قرآنی، بیان باطن و ظاهر قرآن، زدودن شباهات، بیان مصداقی آیات و بُعد تربیتی و... از معارف قرآن را تبیین فرموده است.

واژگان کلیدی: امام باقر<sup>(ع)</sup>، قرآن، روش‌ها، تفسیر.

---

\* E-mail: sg.mahfouzi@yahoo.com

\*\* E-mail: g.bostanee@yahoo.com

\*\*\* E-mail: baji.nasra@yahoo.com (نویسنده مسئول)

## مقدمه

بر اساس حدیث ثقلین، قرآن و عترت همتای یکدیگرند و هدایت امت اسلامی در تلازم این دو ثقل است. اهل بیت<sup>(ع)</sup> مانند رسول خدا<sup>(ص)</sup> عهده‌دار تبیین آیات الهی و اصیل‌ترین مرجع برای دستیابی به فهم معارف قرآنی هستند. از این رو، روایات ایشان منابع مهم علم تفسیر به شمار می‌آید. ایشان به دلیل انتساب به پیامبر<sup>(ص)</sup> و توجه خاص و عنایت خداوند، مرجع و مورد توجه عموم مردم بوده‌اند (ر.ک؛ الأحزاب/۳۳ و الشوری/۲۳) و نقش بسیار مهم و حساس آنان در بیان احکام الهی و سنت نبوی و نیز هدایت و ارشاد مردم در تفسیر به رأی نکردن، حاکی از مراقبت دائم و تلاش‌های بی‌وقفه آنان در حفظ و حراست قرآن و سنت از دستبرد اجانب می‌باشد، تا جایی که هر یک از آن بزرگواران در احیای مکتب توحیدی، شاهد شهادت نوشیدند و بعضی با توجه به موقعیت زمانی، بر کرسی تدریس و تبیین احکام و تفسیر آیات تکیه زدند و شاگردان بی‌شماری تربیت کردند. در میان امامان شیعه، پس از امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup>، بخش عمده‌ای از روایات به صادقین<sup>(ع)</sup> می‌رسد و این امر به دلیل موقعیت خاص سیاسی جامعه آن روز بود که آنان بیش از دیگر امامان اهل بیت<sup>(ع)</sup> فرصت نشر علوم آل محمد<sup>(ص)</sup> را یافتند. از این رو، درباره امام باقر<sup>(ع)</sup> گفته شده است: «وَلَمْ يَظْهَرْ عَنْ أَحَدٍ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ<sup>(ع)</sup> مِنْ عِلْمِ الدِّينِ وَ الْأَثَارِ وَ السُّنَنِ وَ عِلْمِ الْقُرْآنِ وَ السِّيَرَةِ وَ فُنُونِ الْأَدَابِ مَا ظَهَرَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ<sup>(ع)</sup>؛ و برای هیچ یک از فرزندان حسن و حسین<sup>(ع)</sup> از علم دین، آثار، سنت، علم قرآن، سیره و فنون ادبی، مانند آنچه که برای ابی جعفر نمایان شد، آشکار نشده است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۱۹۵).

در این پژوهش، روایات تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup> بررسی شده است و روایاتی که در این پژوهش مورد تحلیل و روش‌شناسی قرار گرفته‌اند، غالباً از منابع متقدم امامیه هستند.

۱- مبانی قرآن‌شناختی در روایات امام باقر<sup>(ع)</sup>

تأمل در روایات تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup> نشان می‌دهد که مهم‌ترین مبانی قرآن‌شناختی در روایات آن حضرت عبارت است از:

**(۱-۱) جامعیت قرآن**

امام باقر<sup>(ع)</sup> درباره جامعیت قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدْعُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ: خدای متعال هیچ امری را فروگذار نکرده که مردم بدان احتیاج داشته باشند، مگر آنکه آن را در کتابش فرو فرستاده است و برای رسول خویش آن را بیان فرموده است» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۹ و عیاشی، ۱۳۰۸ق، ج ۱: ۶).

**(۲-۱) حجّیت سنن و اقوال پیامبر و اوصیای ایشان در تفسیر**

ایشان در این باره می‌فرماید:

«مَا وَجَدْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَالْعَمَلُ بِهِ لَازِمٌ لَا عُذْرَ لَكُمْ فِي تَرْكِهِ وَ مَا لَمْ يَكُنْ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانَتْ فِيهِ سُنَّةٌ مِّنِّي فَلَا عُذْرَ لَكُمْ فِي تَرْكِ سُنَّتِي وَ مَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ سُنَّةٌ مِّنِّي فَمَا قَالَ أَصْحَابِي فَخُذُوهُ فَإِنَّمَا مَثَلُ أَصْحَابِي فِيكُمْ كَمَثَلِ النُّجُومِ فَبِأَيِّهَا أُخِذَ اهْتَدَى وَ بِأَيِّ أَقَاوِيلِ أَصْحَابِي أَخَذْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ وَ اخْتِلَافُ أَصْحَابِي لَكُمْ رَحْمَةٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ أَصْحَابِكَ قَالَ أَهْلُ بَيْتِي: آنچه در کتاب خدا یافتید، بدانید که عمل به آن لازم است و شما در ترک آن هیچ عذری نخواهید داشت و آنچه که در کتاب خدا موجود نباشد و در آن سنتی از من موجود باشد، پس بدانید که شما هیچ عذری در ترک سنت من نخواهید داشت و در آنچه که از من سنتی نباشد، پس آنچه اصحابم گفته‌اند، همان را بگویید؛ چراکه مثل اصحاب من در میان شما، همچون ستارگان است که به هر یک هدایت جویید، هدایت یابید و هر یک از سخنان اصحابم را که اخذ کنید، هدایت می‌پذیرید و اختلاف اصحابم برای شما مایه رحمت است. عرض شد: ای رسول خدا! اصحاب شما چه کسانی هستند؟ فرمود: اهل بیتم هستند» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۱؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۵۶ و طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۵۵).

### ۳-۱) ممنوعیت تفسیر به رأی

امام باقر<sup>(ع)</sup> درباره ممنوعیت تفسیر به رأی می‌فرماید: «مَا عَلِمْتُمْ فَقُولُوا وَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا اللَّهُ أَعْلَمُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْتَزِعَ آيَةَ مِنَ الْقُرْآنِ يَخِرُّ فِيهَا أَبْعَدَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ: آنچه را که می‌دانید، بگویید، ولی آنچه را که نمی‌دانید، پس بگویید خدا داناتر است؛ چراکه انسان گاهی به آیه‌ای استشهادی می‌کند و آنگاه آن را از (معنای خود) به شدت دور می‌کند» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۰۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۲؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۵ و عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۷).

همچنین می‌فرماید: «لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرَّجَالِ مِنْهُ إِلَّا آيَةٌ يَنْزِلُ أَوْلَاهَا فِي شَيْءٍ وَ أَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ، ثُمَّ قَالَ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب/۳۳) مِنْ مِيلَادِ الْجَاهِلِيَّةِ: هیچ چیز دورتر از تفسیر قرآن نسبت به عقول مردم نیست؛ چراکه گاه اول آیه قرآن در یک باب نازل شده، وسط آیه در امری دیگر و آخر آن در مسئله‌ای دیگر. سپس فرمود: خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد؛ از پیدایش جاهلیت» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۷ و برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۳۰۰).

### ۴-۱) اخذ آنچه موافق قرآن است

امام باقر<sup>(ع)</sup> در این زمینه می‌فرماید: «وَ أَنْظَرُوا أَمْرَنَا وَ مَا جَاءَكُمْ عَنَّا، فَإِنْ وَجَدْتُمُوهُ لِلْقُرْآنِ مُوَافِقاً فَخُذُوا بِهِ، وَ إِنْ لَمْ تَجِدُوهُ مُوَافِقاً فَرُدُّوهُ، وَ إِنْ اشْتَبَهَ الْأَمْرُ عَلَيْكُمْ فِيهِ فَقِفُوا عِنْدَهُ وَ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى نَشْرَحَ لَكُمْ؛ در امر ما و آنچه که از ناحیه ما به شما می‌رسد، بنگرید. پس اگر آن را موافق قرآن نیافتید، آن را رد کنید و اگر کار بر شما مشتبه شد، بازایستید و آن مسئله را به ما ارجاع دهید تا برای شما شرح دهیم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۲۲؛ حلوانی، ۱۴۰۸ق: ۸۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۳۳؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق: ۱۱۳؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۱۴). همچنین می‌فرماید: «فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ: آنچه را که موافق کتاب خداست، بگیرید و آنچه را که مخالف کتاب خداست، واگذارید» (صدوق، ۱۳۷۶ق: ۳۶۷ و عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۸).

۲- جایگاه علوم قرآنی در روایات امام باقر<sup>(ع)</sup>

## ۱-۲) ناسخ و منسوخ

نسخ در اصطلاح علوم قرآنی عبارت است از رفع تشریح سابق که ظاهراً مقتضی دوام بوده، به تشریح لاحق، به گونه‌ای که جمع آنها یا ذاتاً یا به دلیل تنافی آشکار، یا به دلیل خاصی از اجماع یا نصّ صریح ممکن نباشد (ر.ک؛ معرفت، بی‌تا، ج ۲: ۲۷۴) یا رفع حکم شرعی، به دلیل شرعی (ر.ک؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۲: ۷۲).

خود قرآن به وقوع نسخ در قرآن تصریح دارد، چنان که می‌فرماید: ﴿مَا نُنسخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَاتٍ بِخَيْرٍ مُنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟! ﴿(البقره/ ۱۰۶)﴾ و ﴿وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ و هنگامی که آیه‌ای را به آیه دیگر مبدل کنیم [= حکمی را نسخ نماییم] - و خدا بهتر می‌داند چه حکمی را نازل کند - آنها می‌گویند: تو افترا می‌بندی! اما بیشترشان (حقیقت را) نمی‌دانند! ﴿(التحل/ ۱۰۱)﴾.

از نظر قرآن پژوهان مسلمان، اعم از شیعه و غیرشیعه، نسخ هم در قرآن و هم در سنت رواست و نسخ قرآن به قرآن، و قرآن به سنت و سنت به سنت و سنت به قرآن جایز است و سابقه دارد (برای آگاهی بیشتر، ر.ک؛ تفسیر ابوالفتوح رازی: ذیل آیه ۱۰۶ سوره بقره).

در اینجا به ذکر سه نمونه از روایات ناسخ و منسوخ از دیدگاه امام باقر<sup>(ع)</sup> اشاره می‌شود:

الف) ﴿وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُمْ وَيَدْرُونَ أَزْوَاجاً وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعاً إِلَىٰ الْحَوْلِ...﴾ و

کسانی که از شما در آستانه مرگ قرار می‌گیرند و همسرانی از خود به جا می‌گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آنها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره‌مند سازند... ﴿(البقره/ ۲۴۰)﴾.

«عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: ﴿وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِمْ مَّتَاعًا إِلَى الْخَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ...﴾ قَالَ: هِيَ مِنْ سُوحَةِ نَسَخَتِهَا ﴿يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ (البقره/۲۳۴) نَسَخَتِهَا آيَاتُ الْمِيرَاثِ قُلْتُ: وَ كَيْفَ كَانَتْ قَالَ: كَانَ الرَّجُلُ إِذَا مَاتَ - أَنْفَقَ عَلَى امْرَأَتِهِ مِنْ صُلْبِ الْمَالِ حَوْلًا، ثُمَّ أَخْرَجَتْ بِلَا مِيرَاثٍ - ثُمَّ نَسَخَتِهَا آيَةُ الرَّبْعِ وَالنَّمْنِ - فَالْمَرْأَةُ يُنْفِقُ عَلَيْهَا مِنْ نَصِيبِهَا: ابوبصير گوید: از امام باقر<sup>(ع)</sup> درباره این آیه پرسیدم. امام باقر<sup>(ع)</sup> در جواب فرمود: این آیه منسوخ شده است. من از حضرت پرسیدم که چگونه آیه منسوخ گردیده است؟ حضرت فرمود: وقتی مردی می‌مرد، از رأس مال، مقداری را به همسر خود انفاق می‌نمود و زن پس از او بدون هیچ میراثی خارج می‌گشت و این شد که این آیه با آیه‌ای که در باب ربع و یک هشتم ارث نازل گشت، منسوخ شد و به این ترتیب، به زن به اندازه‌ای که نصیب و بهره‌اش باشد، حق دارد ارث ببرد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۷۰ و شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۳۴).

(ب) ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ: و آنان پاکدامن از اهل کتاب، حلال‌اند﴾ (المائده/۵).

زراره گوید: «از امام باقر<sup>(ع)</sup> در مورد این آیه پرسیدم (منظور آیه حلیت ازدواج با زنان پاکدامن اهل کتاب) و ایشان فرمودند: با آیه ﴿...وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ...﴾ و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید...﴾ (الممتحنة/۱۰)» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۹۸؛ همان، ۱۳۹۰ق، ج ۳: ۱۷۹ و حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۵۳۳).

(ج) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید!﴾ (آل عمران/۱۰۲).

ابن عباس و طاووس گفتند که این آیه محکم است و منسوخ نیست، و قتاده، ربیع، سدی، و ابن زید گفتند که این آیه با آیه ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتِطَعْتُمْ...﴾ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه

کنید ﴿التَّعَابِنُ/۱۶﴾ منسوخ شده است و این مطلب از امام باقر<sup>(ع)</sup> و امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت شده است (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۵۴۳).

## ۲-۲) اسباب نزول

علم به اسباب نزول که جز از راه روایت و سماع به دست نمی آید، از اساسی ترین ابزارهای فهم و درک معانی آیات و برطرف کننده مشکلات فراوان در زمینه تفسیر و تبیین مفاهیم قرآن است (ر.ک؛ حجتی، ۱۳۸۳: ۳۳). نداشتن آگاهی از اسباب نزول، در بسیاری موارد، آدمی را در فهم احکام دینی و مسائل اعتقادی و اسرار کلام الهی به حیرت می اندازد. در مقابل، آشنایی با سبب نزول می تواند به پژوهشگر کمک کند تا آن حکمت را که بیانگر راز تشریح و وضع احکام و قوانین الهی است، باز یابد. نداشتن آگاهی از سبب نزول، حتی گاه صحابه پیامبر<sup>(ص)</sup> را نیز دچار اشتباه می کرد و از این رو، در بسیاری موارد، پیامبر<sup>(ص)</sup> با بیان سبب نزول، آنان را از سرگردانی رهایی می بخشید (ر.ک؛ همان: ۸۳-۹۵). بخشی از احادیث تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup> به این مورد اختصاص دارد که به نمونه ای از آن اشاره می شود:

\* ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا...﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها) ارث ببرید! ﴿النِّسَاءُ/۱۹﴾.

از امام باقر<sup>(ع)</sup> روایت شده است در جاهلیت رسم بر این بود که شوهر چون می مرد، پسر متوقی از همسر دیگرش و یا ولی آن پسر با انداختن لباس خود به سر همسر متوقی، زن او را به ارث تصاحب می کرد. سپس یا خودش با همان مهر سابق با او ازدواج می کرد و یا به ازدواج دیگری درمی آورد و مهریه را مالک می شد و آیه شریفه از این عمل نهی کرده است. امام باقر<sup>(ع)</sup> در این باب فرموده است: «چون ابوقیس بن اسلب وفات نمود، فرزند او محسن، جامه خود را به سر زن پدر خود انداخت که کبیته نام داشت و دختر معبد بن معبد بود و نکاح او را وارث شد، ولی از او کناره گیری نمود و در ادای حقوق او امساک کرد و آن زن برای شکایت خدمت رسول<sup>(ص)</sup> آمد و قضیه را نقل نمود و حضرت فرمود: برگرد به خانه ات. اگر از خداوند حکمی درباره تو رسید، اعلام

می‌دارم که این آیه حرمت نکاح زنان پدران نازل شد و آن زن نزد خویشان خود رفت و در مدینه زنان چندی بودند که مردانی وارث نکاح آنها شده بودند؛ مانند کبیثه، جز آنکه آن مردان پسران شوهران آنها نبودند و آیه ۱۹ سوره نساء برای حکم آنها نازل شد (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱: ۱۳۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۳۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۵۸؛ موسوی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۴۰۷ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۲۵۹).

## ۲-۲) محکم و متشابه

«حَکَم» در اصل به معنای منع نمودن و جلوگیری به کار رفته است، البته جلوگیری از افساد به سبب اصلاح. بنابراین، به هر گفتاری که رسا و شبهه‌ناپذیر باشد و مورد کج‌فهمی قرار نگیرد، محکم می‌گویند؛ یعنی، مستحکم و خلل‌ناپذیر (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۴۸-۲۴۹). آیات محکم، آیاتی است که مفهوم آن به قدری روشن باشد که جای گفتگو و بحث در معنای آن وجود نداشته باشد؛ مثل آیات «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو: خداوند، یکتا و یگانه است» (الإخلاص/۱)؛ «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ: هیچ چیز همانند او نیست» (الشوری/۱۱)؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...: خداوند آفریدگار همه چیز است...» (الزمر/۶۲) و ... آیات محکّمات در قرآن «أمّ‌الکتاب» نامیده شده است. «أمّ‌الکتاب» یعنی ریشه، مرجع و مفسّر آیات متشابه (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۳۳).

درباره متشابه در قرآن گفته شده است: «وَالْمُتَشَابِهَةُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا أَشْكَلَ تَفْسِيرُهُ لِمُتَشَابِهَتِهِ بِغَيْرِهِ: متشابهات قرآن آن است که تفسیرش مشکل می‌باشد؛ زیرا نمود آنچه را که هست، ندارد و به چیز دیگری شبیه است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۴۳).

قرآن کریم تأکید می‌فرماید که معانی آیات متشابه و تأویل آنها را جز «راسخان در علم» نمی‌دانند. پیشوایان دین نیز در روشن ساختن مصداق «راسخان در علم» سخن گفته‌اند. بر اساس روایات متعددی که از ائمه اطهار نقل شده است، مصداق راسخان در علم، امامان و پیشوایان راستین دین هستند. به روایتی از امام باقر<sup>(ع)</sup> در این زمینه می‌پردازیم: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ: گفت: ای ابلیس! چه چیز مانع تو



شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم، سجده کنی؟ آیا تکبر کردی یا از برترین ها بودی؟ ﴿(ص/۷۵).

«مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ<sup>(۳)</sup> فَقُلْتُ قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي﴾ (ص/۷۵) فَقَالَ الْيَدُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ الْقُوَّةُ وَالنَّعْمَةُ قَالَ: ﴿وَأَذْكَرُ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ﴾ (ص/۱۷) وَقَالَ: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ﴾ (الذَّارِيَاتُ/۴۷) أَيْ بِقُوَّةٍ وَقَالَ: ﴿وَأَيْدُهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ﴾ (المَجَادِلَةُ/۲۲)، أَيْ قَوَاهُمْ وَيُقَالُ لِغُلَّانٍ عِنْدِي أَيَادٍ كَثِيرَةٌ أَيْ فَوَاضِلٌ وَإِحْسَانٌ وَ لَهٗ عِنْدِي يَدٌ بَيْضَاءُ أَيْ نِعْمَةٌ: مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ يَقُولُ: مِنْ أَمَامِ بَاقِرٍ دَرَبَارَةَ كَلَامِ خَدَاوَنَدِ كِه مِي فَرَمَايِد: ﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي﴾ سَوَّال كَرْدَم. اِمَام فَرَمُود: يَدِ دَر كَلَامِ عَرَبِ بِه مَعْنَايِ قُوَّةٍ وَ نِعْمَتِ اسْتِ وَ فَرَمُود: ﴿وَأَذْكَرُ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ﴾ وَ فَرَمُود: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ﴾. يَعْْنِي، بِه قُوَّةٍ وَ مِي فَرَمَايِد: ﴿وَأَيْدُهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ﴾؛ يَعْْنِي: بِه أَنَانَ نِيرو داد، وَ كَفْتِه مِي شُود: لِغُلَّانٍ عِنْدِي أَيَادٍ كَثِيرَةٌ، وَ مَنْظُورِ بَخْشِشِ هَا وَ نِيكِي هَايِ اَوْسْتِ؛ وَ لَهٗ عِنْدِي يَدٌ بَيْضَاءُ، يَعْْنِي: نِعْمَتٌ «(صَدُوق، ۱۳۹۸ق: ۱۵۳؛ هَمَان، ۱۴۰۳ق: ۱۶؛ بَحْرَانِي، ۱۴۱۸ق: ۳۰؛ فَيْضِ كَاشَانِي، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۹۴؛ قَمِي مَشْهَدِي، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۲۱۱؛ عَرُوسِي الْحَوِيْزِي، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۴۴ وَ طِبَاطِبَائِي، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۴۰).

## ۴-۲) حروف مقطعه

حروف مقطعه حروفی هستند که در ابتدای برخی از سوره‌های قرآن آمده است. حروف مقطعه در ابتدای ۲۹ سوره از سوره‌های قرآن ذکر شده است و مجموعاً ۷۸ حرف است که با حذف مکررات، ۱۴ حرف می‌شود. از امام باقر<sup>(۴)</sup> درباره معنای حروف مقطعه در ابتدای برخی سوره‌ها روایاتی وارد شده است؛ از جمله این روایات:

## ۲-۴-۱) نماد برخی از اسماء خدای سبحان

الف) ﴿الم﴾ (البقره/۱)

از امام باقر<sup>(ع)</sup> در معنای ﴿الم﴾ سوره بقره روایت شده است که فرمود: «﴿الم﴾ در ابتدای سوره بقره، یعنی: أَنَا اللَّهُ الْمَلِكُ: من خدای فرمانروا هستم» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۲؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۲۶؛ بحرانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱: ۵۹۵).

ب) ﴿الم﴾ (آل عمران/۱)

همچنین درباره ﴿الم﴾ در آغاز سوره آل عمران از ایشان روایت شده است که فرمود: «یعنی؛ أَنَا اللَّهُ الْمَجِيدُ: من خدای مجید و بزرگ هستم» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۳۱۵؛ بحرانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱: ۵۹۵؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۳۰۹ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۵).

ج) ﴿المص﴾ (الأعراف/۱)

از امام باقر و امام صادق<sup>(ع)</sup> درباره ﴿المص﴾ در ابتدای سوره اعراف نقل شده است که فرمود: یعنی: أَنَا اللَّهُ الْمُقْتَدِرُ الصَّادِقُ: من خدای توانای راستگو هستم» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۲: ۱۷۹؛ بحرانی، ۱۴۱۸ق: ج ۲: ۵۱۶؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲: ۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۵: ۳۴).

د) ﴿الر﴾ (یونس/۱)

همچنین درباره ﴿الر﴾ که در آغاز سوره یونس آمده، از امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل شده است که به معنای «أَنَا اللَّهُ الرَّؤُوفُ» می‌باشد (ر.ک؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۲).

**هـ) ﴿المر﴾ (الرعد/۱)**

درباره ﴿المر﴾ که در آغاز سوره رعد آمده، از امام باقر<sup>(ع)</sup> چنین نقل شده است: «أنا الله المخبى الممیت الرّازق: من خدای زنده کننده، میراننده و روزی دهنده هستم» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۲).

**و) ﴿کهیص﴾ (مریم/۱)**

همچنین درباره حروف مقطعه ابتدای سوره مریم فرمودند: «أنا الكافی الهادی الولی العالم الصادق الوعد: منم خدای کفایت کننده و هدایتگر، ولی، عالم و صادق در وعده» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۲).

**۲-۴-۲) نام‌های پیامبر**

درباره حروف آغازین سوره طه، به نقل از امام باقر<sup>(ع)</sup> چنین روایت شده است: «أما طه فإسم من أسماء النبی<sup>(ص)</sup> و معناه یا طالب الحق الهادی إليه: طه نامی از نام‌های پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌باشد، و معنای آن این است که ای طالب حق که به سوی آن هدایت می‌کنی!» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۲). البته معانی فوق و امثال آن که درباره حروف مقطعه در روایات آمده است، قطعاً تنها معنای این حروف نخواهد بود، همچنان که در پاره‌ای روایات، معانی دیگری نیز برای همین حروف بیان شده است.

**۲-۵) فضایل و خواص سوره‌ها**

یکی از مباحث علوم قرآنی، ذکر فضایل و خواص سوره‌های قرآن کریم است که در برخی از روایات امام باقر<sup>(ع)</sup> بیان شده است. در ادامه به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

### الف) سوره مائده

ابوالجارود از امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> روایت کرده است که فرمود: «کسی که سوره مائده را هر پنجشنبه تلاوت کند، ایمان او به ظلم آلوده نمی‌گردد، و هرگز شرک نخواهد ورزید» (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۰۵؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۶۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲: ۲۱۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۲: ۱۰۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۲۱؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۵۸۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱: ۲۸۹ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۳۱).

### ب) سوره نحل

محمد بن مسلم از امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> روایت کرده است که فرمود: «هر کس سوره نحل را در هر ماه تلاوت کند، از قرض در این دنیا و هفتاد نوع بلا که سبکترین آنها دیوانگی، جذام و پیسی می‌باشد، در امان خواهد بود و در بهشت عدن که جایگاه میانی بهشت است، مقام خواهد کرد» (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۰۷؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۷۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۳: ۴۰۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳: ۱۶۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۱۷۵؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۳: ۳۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲: ۲۵۴۹ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۳۵).

### ج) سوره لقمان

عمرو بن جبیر عزمی روایت کرده است که پدر او از امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> شنیده است که فرمود: «کسی که سوره لقمان را در هر شب تلاوت کند، خداوند در آن شب فرشتگانی بر او می‌گمارد که او را تا صبح از شر ابلیس و دستیارانش محافظت کنند و اگر این سوره را در روز تلاوت نماید، همان فرشتگان او را تا شامگاهان از شر شیطان و دستیارانش به دور نگاه دارند» (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۱۰؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۷۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴: ۳۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴: ۱۵۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۲۲۷؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۴: ۱۹۳ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۸۸).

**هـ) سوره مؤمن**

ابوالصباح کنانی روایت کرده است که امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> فرمود: «اگر کسی هر شب سوره حم مؤمن را تلاوت کند، خداوند تمام گناهانش را خواهد آمرزید، او را باتقوا گرداند و آخرت را برای او بهتر (و راحت‌تر) از دنیا قرار دهد» (صدوق، ۱۴۰۶ق.؛ ۱۱۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۴: ۷۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۳۵۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۳۵۳؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۵۱۰ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۷۹۸).

**و) سوره زخرف**

ابوبصیر روایت کرده است که امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> فرمود: «کسی که بر تلاوت سوره حم زخرف مداومت کند، خداوند او را از گزند حشرات زمین و فشار قبر در امان دارد تا هنگامی که در پیشگاه خداوند بایستد، آنگاه آن سوره می‌آید و به دستور خداوند او را وارد بهشت می‌کند» (صدوق، ۱۴۰۶ق.؛ ۱۱۳؛ راوندی، ۱۴۰۷ق.؛ ۲۴۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۶: ۲۵۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۴: ۸۴۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۴۰۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۳۳؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۵۹۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق.، ج ۶: ۲۳۷ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۵۹).

**۳- روش‌های تفسیری****۳-۱) تفسیر قرآن به قرآن**

تفسیر قرآن به قرآن به معنای استفاده حداکثری از آیات در فهم معنا و مراد آیات قرآن است. روش تفسیری قرآن با قرآن از جمله روش‌هایی است که در متون علوم قرآنی از آن فراوان یاد شده است. در این شیوه، معانی آیات قرآن به کمک آیات مشابه که موضوع و محتوای آنها یکسان یا حداقل نزدیک به هم است، استخراج می‌شود.

اساس این روش تفسیری، این اعتقاد است که قرآن مبین خویش است: «إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا»<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۴: ۲۱۸) و اگر ابهام و اجمالی در برخی آیات قرآن دیده می‌شود، معلول نبود توجه و تدبیر در دیگر آیات قرآنی است و با مراجعه به آیات دیگر برطرف می‌شود.

روش تفسیری قرآن به قرآن در روایات تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup> دیده می‌شود که به آن اشاره می‌شود:

از زراره و محمدبن مسلم - دو تن از شخصیت‌های برجسته اصحاب امام باقر و امام صادق - که از امام باقر<sup>(ع)</sup> پرسیدند: «چگونه حکم به وجوب قصر در سفر می‌کنید و حال آنکه در قرآن تعبیر به ﴿فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ﴾ گناهی بر شما نیست» (التساء/۱۰۱) شده است که به حسب ظاهر، به معنی جواز قصر است نه وجوب آن؟! امام<sup>(ع)</sup> در پاسخ با تمسک به آیه ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ صفا و مروه از شعائر (و نشانه‌های) خداست! بنابراین، کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار و (از افعال وی) آگاه است» (البقره/۱۵۸). فرمود: «همان‌گونه که مقصود از عبارت "لَا جُنَاحَ" در این آیه ناظر به وجوب طواف "سعی" است نه جواز آن، در آیه ﴿فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ﴾ نیز به معنی وجوب قصر است، نه جواز آن» (ابن حبیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۱۹۵؛ صدوق، ۱۳۱۴ق، ج ۱: ۴۳۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۷۱؛ استرآبادی، بی‌تا، ج ۱: ۲۷۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۶۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۹۳؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۳۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۰۲؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۴۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۱۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۵۴؛ کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۷۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۶۶).

### ۲-۳) تفسیر قرآن با سنت

یکی از روش‌های کهن و معمول در تفسیر قرآن، تفسیر به سنت یا تفسیر منقول و مأثور است؛ زیرا بنا بر اجماع در بسیاری از مجملات و مبهمات قرآنی از سوی پیامبر<sup>(ص)</sup> شرح و تفسیر شده‌اند.

امام باقر<sup>(ع)</sup> گرچه خود یکی از ائمه است و روایات تفسیری ایشان یکی از منابع متقن برای تفسیر قرآن کریم به شمار می‌آید، علاوه بر بیان تفسیری خویش، برخی از روایات پدران طاهری خود را در تفسیر آیات قرآن نقل کرده است. برخی از این روایات از این قرار است.

**الف)** امام باقر در تفسیر آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت)، تنها آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند ﴿النساء/۱۰﴾، به حدیثی از پیامبر استناد کرده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۲ و کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۴۰).

**ب)** آن حضرت در تفسیر آیه ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ...﴾ خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر به اندازه سهم دو دختر باشد... ﴿النساء/۱۱﴾، روایتی از امام علی<sup>(ع)</sup> در باب دین و وصیت نقل کرده است (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۷).

**ج)** ایشان درباره زمان نزول سوره مائده، به حدیثی از امام علی<sup>(ع)</sup> استناد کرده است (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۸۸ و بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۲۱۳).

### ۳-۳) جری و تطبیق

«جری» یا «تطبیق» آیه بر موردی مشخص که در روایات به وفور یافت می‌شود، اصطلاحی برگرفته از احادیث ائمه<sup>(ع)</sup> است و به کارگیری چنین اصطلاحی در تفاسیر قدما دیده نشده است، هرچند ممکن است به مضمون آن معتقد بوده‌اند.

اصطلاح جری و تطبیق نخستین بار از سوی علامه طباطبائی طرح شد. وی در آغاز تفسیر المیزان، بحث کوتاهی درباره جری فرموده است و در سراسر تفسیر، روایات مربوط را به آن مبحث ارجاع داده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۲).

روایتی که این اصطلاح را در علوم قرآن پدید آورده، در تفسیر عیاشی (م. ۳۲۰ق) و از امام محمدباقر<sup>(ع)</sup> است. فضیل بن یسار می‌گوید: از امام درباره این روایت که می‌فرماید: «مَا فِي الْقُرْآنِ

آيَةُ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ مَا فِيهِ حَرْفٌ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ وَ لِكُلِّ حَدٍّ مَطْلَعٌ مَا يَعْنِي بِقَوْلِهِ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ، قَالَ: ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ مِنْهُ مَا مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ بَعْدَ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كُلَّمَا مِنْهَا شَيْءٌ وَقَعَ: پرسیدم: منظور از اینکه قرآن ظهْر و بطنی دارد چیست؟ حضرت فرمود: ظهْر آن، تنزیل آن است و تأویل آن، بطن آن می‌باشد. تأویل مقداری از قرآن گذشته است و برخی از آن هنوز تأویل نشده جریان دارد، همچون جریان آفتاب و ماه؛ هر زمان از آن چیزی واقع و یا نمودار می‌شود» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱ ک ۴۲؛ شریف‌الرضی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۳۶). اصطلاح «جری» از همین روایت برگرفته شده است. حضرت امام باقر<sup>(ع)</sup> - ضمن روایتی می‌فرماید:

«اگر آیه‌ای درباره امتی نازل می‌شد و آنها منقرض می‌شدند و با انقراض آنان آیه می‌مرد، چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند. قرآن از آغاز تا انجامش و از انتها تا ابتدای آن همواره - تا آسمان‌ها و زمین برپاست - جریان دارد. پس برای هر ملت، آیه‌ای است که آن را تلاوت می‌کند و آنان به لحاظ آن آیه در خیر یا شر خواهند بود» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۳۹ و مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۲۴: ۳۲۸).

گفته می‌شود که روش ائمه<sup>(ع)</sup> این بوده که آیاتی از قرآن کریم را بر مواردی قابل انطباق، تطبیق می‌کردند، گرچه از مورد نزول آیه خارج باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۲). به ذکر دو نمونه از جری و تطبیق در روایات امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌پردازیم:

**الف) ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ...﴾** همان‌ها که از خانه و شهر خود به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند پروردگار ما خدای یکتاست! ﴿(الحج/۴۰).

از امام باقر<sup>(ع)</sup> ذیل این آیه آمده است: «نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلِيٍّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرَ وَ جَرَّتْ فِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَجْمَعِينَ: این آیه در حق پیامبر<sup>(ص)</sup>، علی<sup>(ع)</sup>، حمزه و جعفر نازل شده است، ولی در حق حسین<sup>(ع)</sup> جاری گردیده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۵: ۷۵۰؛ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۲۰۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۳۸۱؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۷۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۵۲۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۸۸۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۳۹۵؛ شریف



لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۹۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۱۰۳ و عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۵۰۱).

(ب) ﴿...فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: ... اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید﴾ (النحل/۴۳).

زراره از امام باقر<sup>(ع)</sup> می پرسد: «مقصود از آیه چه کسانی هستند؟ امام باقر<sup>(ع)</sup> در پاسخ فرمود: نَحْنُ هُمْ؛ مقصود ماییم. زراره پرسید: پس سؤال کنندگان ماییم؟ فرمودند: آری. زراره پرسید: پس بر شماست که پاسخ ما را بگویید؟ امام<sup>(ع)</sup> فرمود: این دیگر به عهده ماست» (صقار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۷۱؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۶۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۴۲۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۲۱۳؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۵۸ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۲۵۶). گفته شده که این روایت از قبیل جری است؛ زیرا آیه خصوصیتی ندارد و مقصود از ذکر می تواند قرآن یا مطلق کتب آسمانی یا معارف الهی باشد و در هر حال، ائمه<sup>(ع)</sup> مصداق اهل الذکر هستند. پیداست که این روایت درصدد تفسیر آیه حسب شأن نزول نیست؛ چه اینکه معنی ندارد مشرکین به خاندان پیامبر<sup>(ع)</sup> یا اهل قرآن مراجعه کنند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۲۵۶).

### ۳-۴) تبیین آیات الأحکام

آیات الأحکام، آیاتی است که به احکام فقهی و تکالیف عملی ارتباط دارد (ر.ک؛ شهابی، بی تا، ج ۲: ۴)؛ به عبارت دیگر، بر آن دسته از آیات قرآن اطلاق می شود که بیانگر احکام عملی اسلام باشد (ر.ک؛ مدیر شانه چی، ۱۳۸۹: ۲)، نقش امام باقر<sup>(ع)</sup> در تفسیر و تبیین آیات قرآن، به ویژه آیات الأحکام بسیار روشن و برجسته است. در اینجا به سه نمونه از روایات ایشان در این زمینه می پردازیم:

(الف) ﴿ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ: این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد﴾ (البقره/۱۹۶).

زراره می‌گوید: از امام باقر(ع) درباره این آیه پرسیدم. حضرت فرمود: «هُوَ لِأَهْلِ مَكَّةَ لَيْسَتْ لَهُمْ مُتْعَةٌ وَلَا عَلَيْهِمْ عُمْرَةٌ قُلْتُ فَمَا حَدُّ ذَلِكَ قَالَ ثَمَانِيَةٌ وَأَرْبَعِينَ مِيلًا مِنْ نَوَاحِي مَكَّةَ: این برای اهل مکه است که تمتع ندارند و عمره هم بر آنها نیست. گفتم حد آن چه مقدار است؟ فرمود: ۴۸ میل از نواحی مکه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶: ۸۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق؛ ج ۱: ۹۳ و بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۴۲۵).

(ب) ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ...﴾ آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند... ﴿(المائدة/۴۲).

عمران مروان می‌گوید: «معنای "غلول" را از امام باقر(ع) سؤال کردم. فرمود: كُلُّ شَيْءٍ غُلٌّ مِنَ الْإِمَامِ فَهُوَ سُخْتٌ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ شِبْهُهُ سُخْتٌ وَ السُّخْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا أَجُورُ الْفَوَاجِرِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ النَّبِيذِ الْمُسْكِرِ وَ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْئَةِ فَأَمَّا الرَّشَاءُ فِي الْحُكْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ(ص)؛ هر چیزی از جانب امام، ممنوع و خیانت اعلام شده باشد، آن "سخت" و حرام است و نیز خوردن مال یتیم و نظیر آن سخت محسوب می‌شود. همچنین سخت انواع متعددی دارد که از جمله آنها، درآمد از راه فاحشه‌گری و رابطه نامشروع زن و مرد، درآمد از راه فروش مشروب مست‌کننده، رباخواری در صورت اثبات و رشوه‌گیری در قضاوت که اینها در ردیف کفر به خدای متعال و رسول(ص) وی قرار گرفته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۲۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۶۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۰۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۱۲۰ و عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۶۳۳).

(ج) ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً: و زانی را که متعه [= ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید ﴿(النساء/۲۴).

ابوبصیر گوید: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ(ع) عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ نَزَلَتْ فِي الْقُرْآنِ ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُ...﴾: از امام باقر(ع) درباره متعه سؤال کردم. آن حضرت فرمود: حکم آن در قرآن آمده است، آنجا که می‌فرماید: با زن‌هایی که ازدواج موقت می‌کنید...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۴۸۸؛ اشعری قمی،

۱۴۰۸ق.: ۸۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۷: ۲۵۰؛ همان، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۴۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۲: ۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۴۴۰؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۴۶۷ و طباطبائی، ۱۴۰۷ق.، ج ۴: ۲۸۹).

همچنین، عبدالله بن عمیر لیشی در باب «مُتَعَه» از آن حضرت سؤال کرد. فرمود: بله. در قرآن این مسأله نازل شده است و فرموده: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ وَ زَنَانِي رَا كِه مُتَعَه [= ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید﴾ (النساء/ ۲۵) (ر.ک: اشعری قمی، ۱۴۰۸ق.: ۸۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۴۴۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۷: ۲۵۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۲: ۵۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۴۴۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۷۶ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۲۸۹).

### ۳-۵) بیان نکات بلاغی

زاره می‌گوید:

«از امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> سؤال کردم شما در مسح پا و سر، تمام سر و پا را مسح نمی‌کنید، بلکه مسح مقداری از آن را کافی می‌دانید. آیا ممکن است بیان کنید که این حکم را چگونه و از کجا بیان می‌فرمایید؟ امام<sup>(ع)</sup> با تبسمی پاسخ داد: این همان مطلبی است که در قرآن کریم آمده است. خداوند می‌فرماید: ﴿...وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ...﴾ و سر مسح کنید!...﴾ (المائدة/ ۶) و فرموده است: «وَأَمْسَحُوا رُءُوسَكُمْ». بنابراین وقتی قرآن می‌گوید: ﴿بِرُءُوسِكُمْ﴾، مقداری از مسح سر کافی است و این مطلب از کلمه «ب» که حرفِ جاره است، فهمیده می‌شود و در واقع، امام<sup>(ع)</sup> حرفِ «باء» را «باء» تبعیضیه در نظر گرفته است که دلالت بر جزء از کل می‌کند. امام در ادامه فرمود: در عبارتِ ﴿وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾، کلمه «أَرْجُل» عطف به «رُءُوس» است. بنابراین، می‌فهمیم که مسح قسمتی از پا برای وضو کافی است و این همان چیزی است که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> آن را برای مردم تفسیر کرده بود، اما مردم به سخن ایشان هیچ توجه نکردند و آن را تباه ساختند»

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۳۰؛ صدوق، ۱۳۱۴ق، ج ۱: ۱۰۳؛ همان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۷۹؛  
طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۱؛ همان، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۹۹؛  
بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۲۵۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۳؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج  
۱: ۶۱۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۴۸؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۹۶ و  
طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۲۳۳).

### ۳-۶) اثبات مقام امامت

امام باقر<sup>(ع)</sup> برای شناساندن جایگاه امامت به مردم و جلب دلها به سوی محبت اهل بیت<sup>(ع)</sup> از هیچ کوششی فروگذار نکردند و درصدد بودند تا با این شیوه، جایگاه امامت و ولایت را به گونه‌ای روشن برای مردم ترسیم کنند. ایشان به منظور اثبات مقام امامت در کودکی به ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>، آیه‌ای از قرآن را که در شأن و مقام حضرت یحیی<sup>(ع)</sup> است، مورد استناد قرار می‌دهند که می‌فرماید: ﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾ ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم! ﴿(مریم/۱۲) (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۸۲ و صدوق، ۱۳۷۶ق: ۲۷۱).

یک سال امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> و فرزندش امام صادق<sup>(ع)</sup> به فرمان هشام‌بن عبدالملک (دهمین خلیفه بنی‌امیه) به شام دعوت شدند. درباریان مشغول تیراندازی بودند و هشام اصرار نمود که امام باقر<sup>(ع)</sup> هم در این برنامه شرکت کند. آن حضرت کمان را به دست گرفت و تیر به زه آن نهاد، به گونه‌ای که با پرتاب آن درست وسط هدف قرار گرفت و تیرهای بعدی بر پیکان تیر اول فرود آمد. هشام ظاهراً این کار را تحسین نمود، ولی از همان زمان نشئه به شهادت رساندن آن امام را در سر پروراند. هشام خطاب به ایشان فرمود: تاکنون تیراندازی بدین زبردستی ندیده بودم و گمان نمی‌کنم کسی به اندازه تو این گونه توانایی و مهارت داشته باشد! هشام در ادامه گفت: آیا فرزندان جعفر می‌توانند این چنین تیراندازی کنند؟ امام پاسخ داد: ما توانایی کامل و تمام را از یکدیگر به ارث می‌بریم، همان کمال و تمامی که خداوند آیه‌اش را بر پیامبر نازل فرمود: ﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ ... امروز دین شما را کامل کردم و

نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم... ﴿المائدة/۳﴾  
(ر.ک؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ۶۶-۶۷؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۲۳۳-۲۳۵ و همان، ۱۴۲۷ق: ۲۷۵-۲۷۸).

### ۷-۳) اعتقاد به رجعت

رجعت در اصطلاح دینی به معنی بازگشت مردگان به زندگی در دنیا است. در بعضی فِرَق اسلامی، نظیر شیعه و بعضی از دیگر مذاهب معتقد به قیامت نیز باور به رجعت وجود دارد، همچون زنده شدن گروهی از قوم بنی اسرائیل، (البقره/۵۵)، زنده شدن عَزِیر بعد از صد سال (البقره/۲۵۹)، داستان اصحاب کهف (الکهف/۱۲) و زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> (آل عمران/۴۹) نمونه‌هایی از رجعت افراد در اقوام گذشته است.

امام باقر<sup>(ع)</sup> در سیره خود بر این باور و حیانی شیعه تأکید، و به آیه شریفه ۸۳ سوره نمل استناد کرده‌اند. متن روایت چنین است: «أَبَاصِيرٌ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ<sup>(ع)</sup>: يُنْكِرُ أَهْلُ الْعِرَاقِ الرَّجْعَةَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا يَفْرَأُونَ الْقُرْآنَ ﴿يَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا...﴾ (النمل / ۸۳): ابابصیر گوید: ابوجعفر به من فرمود: اهل عراق منکر رجعت هستند؟ گفتم بله. فرمود: آیا قرآن را نمی‌خوانند که می‌فرماید: و روزی از هر امت فوجی از آنان که آیات ما را تکذیب می‌کنند، محشور می‌کنیم» (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۱۰؛ حرّ عاملی، بی‌تا: ۲۷۸ و بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴: ۲۳۱).

در حدیثی از امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌خوانیم که شهدای کربلا، به‌ویژه سالار شهیدان، حسین بن علی<sup>(ع)</sup> به دنیا برمی‌گردد و صاحب حکومت طولانی روی زمین خواهد بود. امام باقر<sup>(ع)</sup> فرمود: «قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ<sup>(ع)</sup> لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ... فَأَبْشِرُوا فَوَ اللَّهُ لَئِنْ قَتَلُونَا فَإِنَّا نَرُدُّ عَلَى نَبِيِّنَا، نَبِيِّنَا ثُمَّ أَمْكُثُ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ فَأَخْرُجُ خَرْجَةً يُوَافِقُ ذَلِكَ خَرْجَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup>...» امام حسین<sup>(ع)</sup> قبل از آنکه شهید شود، به یارانش فرمود: ... بشارت باد بر شما که اگر کشته شویم، به سوی پیامبر خویش برمی‌گردیم. سپس فرمود: پس آن مقدار که خداوند بخواهد، در قبر خواهیم ماند و من اولین کسی خواهم بود که رجعت می‌کند، پس خروج می‌کنم، مانند خروج

امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>...» (راوندی، الخرائج، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳: ۶۲ و جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۲۵۴).

### ۸-۳) استفاده از ظاهر و باطن قرآن

در روایتی از جابر یکی از اصحاب بزرگوار امام باقر و امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌خوانیم که دو بار تفسیر آیه‌ای را از امام باقر<sup>(ع)</sup> پرسید، ولی هر بار جوابی شنید که با مرتبه دیگر فرق داشت! با شگفتی از امام پرسید: این تفاوت در گفتار، ناشی از چیست؟ امام فرمود: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ بَطْنًا وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرٌ» قرآن را بطنی است و هر بطنی خود بطنی دیگر دارد و نیز قرآن را ظهری است و برای هر ظهری باز ظهری دیگر...» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۳۰۰ و حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۱۹۲). همچنین فضیل بن یسار می‌گوید که از امام باقر<sup>(ع)</sup> در باب روایت «مَا مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» پرسیدم. حضرت فرمود:

«ظَهْرُهُ [تَنْزِيلُهُ] وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ وَ مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كُلُّ مَا جَاءَ تَأْوِيلَ شَيْءٍ يَكُونُ عَلَى الْأَمْوَاتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ: ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن می‌باشد. برخی از تأویلات آن سبزی شده است و برخی از آنها هنوز واقع نشده است. قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و تأویل آن در باب مردگان (گذشتگان) و زندگان جریان دارد» (عتاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۹؛ طباطبائی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۲ و شریف‌الرضی، ۱۴۲۲ق: ۲۳۶).

درباره این مطلب که منظور از «باطن» قرآن چیست، چنان‌که در حدیث بالا اشاره شد، امام باقر<sup>(ع)</sup> فرمود: «باطن قرآن همان تأویل قرآن است؛ همان چیزی که در همه زمان‌ها جریان دارد و همیشه بر مصادیق خود صدق می‌کند. نظرات مختلفی در باب بطن و تأویل قرآن کریم ابراز شده است؛ مثلاً برخی بطن و تأویل را از سنخ معانی و مفاهیم می‌دانند (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸). برخی هم نگاه وجودشناسانه به آن دارند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۲۷). به هر روی و با پذیرش هر دیدگاه، نتیجه این است که قرآن کلامی نیست که حقیقت و معارف آن فقط در ظاهر آن ختم شود، بلکه این کلام عظیم الهی دریایی است که عمق آن ناپیداست، چنان‌که در برخی

روایات، برای آن هفتاد بطن قائل شده‌اند. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَعَةِ أَبْطُنٍ: به راستی قرآن ظاهر و باطنی دارد و برای بطن آن، بطنی است تا هفتاد بطن!» (ابن ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵ق.، ج ۴: ۱۰۷). ذیلاً به ذکر چند نمونه روایات امام باقر<sup>(ع)</sup> در این زمینه اشاره می‌شود:

**الف) ﴿...وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...﴾** و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است ﴿(المائدة/۳۲).

فضیل بن یسار می‌گوید:

«از امام باقر<sup>(ع)</sup> معنای این آیه را سؤال کردم. فرمود: مِنْ حَرَقٍ أَوْ غَرَقٍ. قُلْتُ: فَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى؟ فَقَالَ: ذَلِكَ تَأْوِيلُهَا الْأَعْظَمُ: یعنی اگر کسی را از سوختن در آتش یا غرق شدن در آب نجات دهد، مثل آن است که همه مردم را زنده کرده است. فضی پرسید: اگر شخصی را از ضلالت نجات دهد و به سوی هدایت راهنمایی کند، چه؟ امام فرمود: این از باب بزرگترین تأویل - معنای باطنی - است» (برقی، ۱۳۷۱ق.، ج ۱: ۲۳۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۲: ۲۱۰؛ قمی، ۱۳۶، ج ۱: ۱۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۲: ۲۸۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۷ق.، ج ۲: ۳۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۹۶؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۶۱۹ و طباطبائی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۳۲۲).

**ب) ﴿قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَطَّالِمُونَ﴾** گفت پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته‌ایم، بگیریم؛ در آن صورت از ظالمان خواهیم بود ﴿(یوسف/۷۹).

باز از آن حضرت در ضمن روایت مفصلی - از روایات طینت - نقل شده است که آن بزرگوار ذیل این آیه فرمود: «هُوَ فِي الظَّاهِرِ مَا تُفْهَمُونَهُ: ظاهر آیه همین چیزی است که شما می‌فهمید» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۰۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۳: ۴۱۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۴۴۰ و عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲: ۴۴۹)؛ یعنی چون متاع یوسف در نزد بنیامین یافت شد، او

بنیامین را گرو می‌گیرد و این ظاهر آیه است، اما حضرت<sup>(ع)</sup> باطن آیه را به گونه‌ای دیگر تفسیر فرمودند.

### ۹-۳ پاسخ به شبهات

در تفسیر آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا...﴾ خداوند از اینکه به (موجودات ظاهراً کوچکی، مانند) پشه و یا حتی کمتر از آن، مثال بزند، شرم نمی‌کند<sup>(ع)</sup> (البقره/۲۶)، برخی از روایان «بَعُوضَةً» را علی<sup>(ع)</sup> و «مَا فَوْقَهَا» را پیامبر<sup>(ص)</sup> تفسیر کرده بودند. همچنان که برخی تفاسیر از امام صادق<sup>(ع)</sup> آمده است: «خدا این مثل را در شأن امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> بیان فرموده است. بنابراین، امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، «بَعُوضَةً: پشه» است و «مَا فَوْقَهَا»، رسول‌الله<sup>(ص)</sup>. دلیل آن اینکه در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ و «حق» در آیه، یعنی امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> که رسول خدا<sup>(ص)</sup> از مردم برایش بیعت و پیمان گرفت. باز می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ... الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾ یعنی مِنْ صِلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup> وَ الْأَيْمَةِ<sup>(ع)</sup> - ﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ خدا در ردّ مخالفان، این اوصاف را بیان می‌دارد که با علی<sup>(ع)</sup> نقض عهد و به جای صلّه رَجِم، قطع رَجِم کردند و... (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۵۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۰۱ و عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۵).

### تحقیق ریشه ماجرا

روزی حضرت امام باقر<sup>(ع)</sup> توصیه می‌فرمود: ما را با نام، لقب و اوصاف خودمان یاد کنید و اوصاف ما را - جز در ضرورت - بر دشمنان ما ننهید که خداوند پاداش فراوانی می‌دهد... در آنجا از امام<sup>(ع)</sup> پرسیدند: برخی از شیعیان و دوستان شما گمان می‌کنند که آن «بَعُوضَةً»، علی<sup>(ع)</sup> است و «مَا فَوْقَهَا» که ذباب و مگس باشد، پیامبر<sup>(ص)</sup> است! در این باره از امام باقر<sup>(ع)</sup> پرسش شد که بعضی از روایان چنین تفسیری برای آیه نقل کرده‌اند. امام<sup>(ع)</sup> فرمود: اینان از حدیثی، چیزی شنیده، اما به جای



خود ننهاده‌اند؛ یعنی درست نفهمیده‌اند! داستان چنین است که پیامبر<sup>(ص)</sup> و علی<sup>(ع)</sup> روزی ناگاه صدای کسی را شنیدند که می‌گفت: «مَا شَاءَ اللَّهُ وَ شَاءَ مُحَمَّدٌ» و دیگری می‌گفت: «مَا شَاءَ اللَّهُ وَ شَاءَ عَلِيٌّ» و به این صورت، مشیت خدا و پیامبر و نیز مشیت خدا و علی را با هم قرین و مقایسه کردند. رسول‌الله<sup>(ص)</sup> فرمود: هرگز محمد و علی را در ردیف خدا ذکر نکنید. آری! مشیت محمد و علی تابع مشیت خداست؛ زیرا مشیت و اراده خدا قاهر و غالب است بر همه ماسوا، و همتایی ندارد تا مقایسه گردد. «محمد» در مقایسه و مثل همچون ذبابی است در قبال این جهان وسیع و «علی» همچون بعوضه‌ای در مقابل جهان‌هایی که مخلوق و مربوط خداست. البته تفضلاتی که خدا بر «محمد» و «علی» کرده، از تفضلات او بر تمام مخلوقات وی از آغاز تا انجام برتر است. این سخنی است که رسول خدا<sup>(ص)</sup> فرموده است و ربطی به تفسیر آیه کریمه ندارد (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴: ۳۲۹؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۶۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۰۲ و تفسیر العسکری، ۱۴۰۹ق: ۲۰۹).

### ۳-۱۰) تفسیر قرآن با استفاده از تمثیل

یکی از دلنشین‌ترین و مفیدترین راه‌های القای مطلب به مخاطب، به کارگرفتن تشبیه و تمثیل است. تشبیه از ارزنده‌ترین و برترین انواع بلاغت است. تمثیل در اصطلاح عبارت است از پدید آوردن مماثلت و مشارکت میان دو شیء در یکی از اوصاف و ویژگی‌ها که هدف از آن، اظهار مطالب مشکل در قالب عبارات روشن و خارج ساختن آن از ابهام به مرحله روشنایی و وضوح است؛ خواه دو طرف تشبیه محسوس یا معقول و یا متفاوت باشد (ر.ک؛ ابن‌ناقی، ۱۳۷۴: ۲۰۵).

امام<sup>(ع)</sup> گاه در بیان معنای آیه به تمثیل روی می‌آورد که شیوه معمول قرآن است؛ برای نمونه:

«عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنَبِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ<sup>(ع)</sup> قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: ﴿... مَثَلًا كَلِمَةً

طَيِّبَةً...﴾ (ابراهیم/۲۴) الْآيَةِ. قَالَ الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> أَصْلُهَا نَسَبُهُ تَابَتْ فِي بَنِي هَاشِمٍ وَ فَرَعُ

الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ<sup>(ع)</sup> وَ عُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ<sup>(س)</sup> وَ تَمَرَّتْهَا الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ<sup>(ع)</sup>

وَ شَبَعَتْهُمْ وَ رَقَّتْهَا وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شَبَعَتِنَا لَيَمُوتُ - فَتَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةً وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ

لَيُولَدُ فَتُورِقُ الشَّجَرَةُ وَرَفَقَةٌ قُلْتُ أَرَأَيْتَ قَوْلَهُ: ﴿تَوْتِي أَكَلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا...﴾ (ابراهیم/۲۵). قَالَ يَعْني بِذَلِكَ مَا يُفْتُونَ بِهِ الْأَئِمَّةُ شِيعَتَهُمْ فِي كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْخَرَامِ. ثُمَّ ضَرَبَ اللهُ لِأَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ مَثَلًا فَقَالَ: ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ: (همچنین) کلمه خبیثه (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده است و قرار و ثباتی ندارد﴾ (ابراهیم/۲۶): سلام بن مستنیر می‌گوید: از امام باقر<sup>(ع)</sup> درباره فرموده خدای - عزوجل - در آیه "مَثَلُ كَلِمَةٍ پاكيزه..." سؤال کردم. فرمود: منظور از درخت، رسول خدا<sup>(ص)</sup> است و نسبت او در بنی‌هاشم ثابت می‌باشد (أَصْلُهَا ثَابِتٌ)، ساقه این درخت علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> است و شاخسار آن، فاطمه زهرا<sup>(ص)</sup>، میوه‌های آن، امامان از نسل علی و فاطمه بوده است و شیعیان آنها، برگ‌های درختند. آنگاه که فردی مؤمن از شیعیان ما می‌میرد، برگی از درخت فرو می‌افتد و گاهی که فرزندی از مؤمنی متولد می‌شود، برگی بر این درخت می‌روید. من گفتم: شما این سخن خداوند را که "خوراکیش را به اذن پروردگارش در هر زمان ارائه"، چگونه ارزیابی می‌نمایید؟ فرمود: از این تعبیر فتوایی را قصد فرموده که ائمه<sup>(ع)</sup> در امور حلال و حرام، در هر حج و عمره برای شیعیان خود بیان می‌داشتند. سپس خدای سبحان برای دشمنان خاندان رسول‌الله مَثَل زده است و می‌فرماید: وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ پلید همچون گیاه پلید است که از روی زمین برکنده شده است و قراری برای آن نباشد» (صقار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۵۹؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۶۹؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۵۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۲۹۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۵۵ و عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۵۳۷).

### ۱۱-۳ بیان مصداقی

یکی دیگر از روش‌های تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup>، تبیین آیات از راه بیان مصداق می‌باشد. در این شیوه، امام به ذکر مصدق یا مصداق واژه می‌پردازد.

﴿...وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ...﴾ ... بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست؛ لازم است کفاره بدهند؛ مسکینی را اطعام کنند...﴾ (البقره/۱۸۴). امام باقر<sup>(ع)</sup> درباره

مصدق این آیه فرمود: «الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي يَأْخُذُ الْعِطَاشُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۱۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۳۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۷۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۸۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۲۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۴۲؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۶۶ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۷).

(ب) ﴿... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ...﴾ اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید ﴿التحل/۴۳﴾.

امام باقر<sup>(ع)</sup> مصادیق «اهل ذکر» را «ائمّه» معرفی فرموده است (ر.ک؛ صفار، ج ۱: ۳۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۱۰؛ ابن حنون، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۲۲؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق، ج ۱: ۱۹۵؛ دیلمی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۴۲؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۸۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲۶۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۳۸۸؛ عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۶۰۴؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۲۶۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۳۳۱ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۲۸۵).

### ۳-۱۲) نکات تربیتی

امام باقر<sup>(ع)</sup> در زمینه قناعت می فرماید: «إِيَّاكَ أَنْ تُطْمِحَ بَصْرَكَ إِلَى مَنْ فَوْقَكَ فَكَفَى بِمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لِنَبِيِّهِ (ص) ﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ...﴾ و (فزون) اموال و اولاد آنها تو را در شگفتی فرو نبرد... ﴿التوبه/۵۵﴾ وَ قَالَ - ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...﴾ و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست... ﴿طه/۱۳۱﴾، فَإِنْ دَخَلَكَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَادْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَإِنَّمَا كَانَ قُوتُهُ الشَّعِيرَ وَ حُلْوَاهُ التَّمْرَ وَ قُوتُهُ السَّعْفَ إِذَا وَجَدَهُ: اجتناب کن از اینکه چشم به بالاتر از خود بدوزی! کافی است که به آنچه خداوند - عزوجل - به پیامبر<sup>(ص)</sup> فرموده است، توجه کنی که فرمود: «دارایی و فرزندان‌شان تو را به اعجاب نیفکند» و فرمود: «خیره مشو به آنچه از متاع دنیا به کفار داده‌ایم! آنها زینت این دنیا هستند؛ (خواست‌ایم) آنها را بیازماییم؛ روزی خدایت بهتر و پایدارتر است». هرگاه حسرت امکانات دیگران در دلت راه یافت، شیوه زندگی پیامبر<sup>(ص)</sup> را به

یاد آور؛ زیرا غذای آن حضرت، نان فراهم آورده از جو و شیرینی وی، خرما و وسیله روشنایی او در شب‌ها، شاخه‌های نخل بود؛ آن هم اگر فراهم می‌شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۳۸؛ طبرسی، ۱۳۴۴: ۱۳۰ و بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۸۷۸).

### ۳-۱۳) لزوم مراجعه به معصوم

با استناد به آموزه‌های دینی و روایی، امامان معصوم<sup>(ع)</sup> شایسته‌ترین ترجمان وحی و آشناترین افراد به تفسیر و تأویل آیات قرآن هستند. بنابراین، اگر تشنگان معارف الهی بخواهند از چشمه‌سار وحی سیراب شوند، باید پوینده راه آن بزرگواران باشند. حضرت علی<sup>(ع)</sup> در این زمینه می‌فرماید: «...فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ... ما امامان معصوم<sup>(ع)</sup> برای تفسیر قرآن از همه مردم شایسته‌تر هستیم» (نهج البلاغه/ ۱۸۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۸۶ و دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۱۰۳). بر این اساس، امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ: کسی جز جانشینان پیامبر<sup>(ص)</sup> نمی‌تواند ادعا کند که تمام قرآن، ظاهر و باطن آن، نزد اوست» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۹۳ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۲۸). همچنین می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ عِلْمٍ مَا أَوْتِينَا تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ وَ أَحْكَامَهُ الْحَدِيثِ: حقیقتاً دانشی که به ما داده شده است همان تفسیر قرآن و بیان احکام آن است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۲۹ و حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۱۸۱).

امام باقر<sup>(ع)</sup> باز در این راستا می‌فرماید: «فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَءُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ فَإِذَا احتاجوا إِلَى تَفْسِيرِهِ فَالْإِهْتِدَاءُ بِنَا وَ إِيَّانَا: وظیفه مردم آن است که قرآن را طبق آنچه نازل شده است، قرائت کنند، ولی اگر به تفسیر نیاز داشته باشند، هدایت و تفسیر بر عهده ماست» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۲۰۲ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷: ۱۹۷).

### نتیجه‌گیری

ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> عموماً و امام باقر<sup>(ع)</sup> خصوصاً، روش استفاده از قرآن کریم را به ما می‌آموختند، شرایط مکانی و زمانی را به هنگام ارائه تفسیر در نظر می‌گرفتند، قدرت فهم مخاطب خویش را مد

نظر قرار می‌دادند. با توجه به نکاتی که اشاره شد، می‌توان روایات تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup> را در موارد زیر جمع بندی کرد:

۱- امام باقر<sup>(ع)</sup> قرآن را به گونه‌ها و روش‌های مختلف تبیین فرموده، چراغ راه پویندگان حق و حقیقت شده است.

۲- روایت‌های ایشان شامل برخی از مباحث علوم قرآنی، همچون ناسخ و منسوخ، اسباب نزول، محکم و متشابه، حروف مقطعه و نیز فضایل و خواص سوره‌ها می‌باشد.

۳- گونه‌های تفسیری امام باقر<sup>(ع)</sup> عبارت است از: تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر قرآن با سنت، جری و تطبیق، تبیین آیات الأحکام، بیان نکات بلاغی، اثبات مقام امامت، اعتقاد به رجعت، استفاده از ظاهر و باطن قرآن، پاسخ به شبهات، تفسیر قرآن با استفاده از تمثیل، بیان مصداقی آیات، بیان نکات تربیتی و لزوم مراجعه به معصوم<sup>(ع)</sup>.

#### پی‌نوشت‌ها

۱- البته درباره خواص و فضایل سوره‌ها که در این گونه روایات، مترتب بر تلاوت آنها می‌باشد، ناگفته پیداست که منظور، خواندن صرف آنها نیست، بلکه هدف از آن، اندیشیدن، تدبیر، تأمل و عمل کردن به محتوا و مفاد آن سوره‌هاست (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ابتدای تفسیر همه سوره‌ها).

۲- این عبارت، سخن مشهوری است، اما حدیث یا روایت نیست، ولی نظیر آن در نهج البلاغه وجود دارد؛ مانند عبارت «يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ» (نهج البلاغه / ۱۹۲) و یا عبارت «يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ» (همان).

#### منابع و مأخذ

##### قرآن کریم.

ابن ابی‌جمهور، محمد. (۱۴۰۵ق.). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*. تحقیق مجتبی عراقی.

قم: دار سید الشهداء للنشر.

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمدبن علی. (۱۳۹۸ق.). *التّوحید*. هاشم حسینی. ج ۱. قم: جامعه مدرسین.

\_\_\_\_\_ . (۱۴۰۶ق.) *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. ج ۲. قم: دار الشریف الرضی للنشر.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵ق.) *علل الشرائع*. قم: کتاب فروشی داوری.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۵ق.) *کمال الدین و تمام النعمة*. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیة.

\_\_\_\_\_ . (۱۴۰۳ق.) *معانی الأخبار*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۱۴ق.) *من لا یحضره الفقیه*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۶ق.) *الأمالی*. تهران: کتابچی.

ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق.) *دعائم الإسلام*. تحقیق آصف فیضی. ج ۲. قم: مؤسسه آل البيت(ع).

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق.) *تحف العقول*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد. (۱۳۷۹ق.) *مناقب آل ابی طالب(ع)*. قم: علامه.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق.) *الأمان من أخطار الأسفار والأزمان*. قم: مؤسسه آل البيت(ع).

ابن ناقد، عبدالله بن محمد. (۱۳۷۳ق.) *الجمان فی تشبیہات القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی.

استرآبادی، محمد بن علی. (بی تا.) *آیات الأحکام*. ج ۱. تهران: مکتبه المعراجی.

اشعری قمی، احمد بن محمد. (۱۴۰۸ق.) *النوادر*. قم: مدرسه الإمام المهدي(عج).

بحرانی، سیّد هاشم. (۱۴۱۶ق.) *البرهان فی تفسیر القرآن*. ج ۱. تهران: بنیاد بعثت.

برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق.) *المحاسن*. تحقیق جلال الدین محدث. قم: دار الکتب الإسلامیة.

بهای، محمد بن حسین. (۱۴۰۵ق.) *مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات*.

ط ۱. بیروت: نشر دار الاضواء.

*التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری*. (۱۴۰۹ق.) ج ۱. قم: مدرسه امام مهدي(عج).

جزائری، سیّد نعمت الله. (۱۴۲۷ق.) *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.

حجتی، سیّد محمدباقر. (۱۳۸۳ق.) *اسباب نزول*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حرّ عاملی، محمّدين حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. ج ۱. قم: مؤسسه آل بیت (ع).

\_\_\_\_\_ . (بی تا). *الایفاظ من الهجة بالبرهان على الرجعة*. تحقیق سید هاشم رسولی محلّاتی. تهران: نوید: تهران.

حسکانی عبیدالله بن احمد. (۱۴۱۱ق.). *شواهد التنزیل لقواعد التّفصیل*. ج ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی. (۱۴۰۹ق.). *تأویل الآيات الظاهرة*. ج ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

حلوانی، حسین بن محمّد. (۱۴۰۸ق.). *نزّه الناظر و تنبيه الخاطر*. قم: مدرسة الإمام المهدي (ع).

حلی، حسن بن سلیمان. (۱۴۲۱ق.). *مختصر البصائر*. تحقیق مشتاق مظفر. قم: مؤسسه النشر الإسلامي.

دیلمی، حسن بن محمّد. (۱۴۲۷ق.). *عُرر الأخبار*. تحقیق ضیغم اسماعیل. قم: دلیل ما.

\_\_\_\_\_ . (۱۴۰۸ق.). *أعلام الدين في صفات المؤمنين*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۷ق.). *الدعوات*. قم: انتشارات مدرسة امام مهدي (ع).

\_\_\_\_\_ . (۱۴۰۹ق.). *الخرائج والجرائح*. قم: مؤسسه امام مهدي (ع).

زرقانی، محمّد عبدالعظیم. (بی تا). *مناهل العرفان في علوم القرآن*. بی جا: دار احیاء التراث العربی.

شریف‌الرّضی، محمّد بن حسین. (۱۴۱۴ق.). *نهج البلاغه*. تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.

\_\_\_\_\_ . (۱۴۲۲ق.). *المجازات النبویة*. تحقیق مهدی هوشمند مهدی. قم: دار

الحديث.

شریف لاهیجی، محمّد بن علی. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. ج ۱. تهران: دفتر نشر داد.

شهابی، محمود. (بی تا). *ادوار فقه*. بی جا: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۰۹ق.). *مئیة المرید فی آداب المفید والمستفید*. تحقیق رضا مختاری. قم: مکتب الأعلام الإسلامي.

شیبانی، محمّد بن حسن. (۱۴۱۳ق.). *نهج البیان عن كشف معانی القرآن*. بنج ۱. تهران: یاد دایرة المعارف اسلامی.

- صقار، محمدبن حسن. (۱۴۰۴ق.). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*. تحقیق محسن بن عباسعلی کوجه‌باغی. قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۳. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طبرسی، احمدبن علی. (۱۴۰۳ق.). *الاجتجاج علی أهل اللجاج*. تحقیق محمدباقر خرسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۴۴). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. ج ۲. نجف: المکتبه الحیدریه.
- طبری آملی صغیر، محمدبن جریر. (۴۲۷ق.). *نوادیر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة علیهم السلام*. تحقیق باسم محمد اسدی. قم: دلیل ما.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۳ق.). *دلایل الإمامة*. تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة. قم: بعثت.
- طبری آملی، محمدبن ابی القاسم. (۱۳۸۳ق.). *بشارة المصطفى لشعبة المرتضى*. نجف: المکتبه الحیدریه.
- طوسی، محمدبن الحسن. (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. تحقیق مؤسسه البعثة. قم: دار الثقافة.
- \_\_\_\_\_ . (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۷ق.). *تهذیب الأحکام*. تحقیق خرسان الموسوی. ج ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۰ق.). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تحقیق خرسان الموسوی. ج ۱. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. ج ۴. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰ق.). *تفسیر العیاشی*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمیه.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق.). *تفسیر فرات الکوفی*. ج ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.



- فیض کاشانی، محمدبن مرتضی. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر الصافی*. ج ۲. تهران: انتشارات الصدر.
- قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. ج ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. ج ۴. قم: دار الکتب.
- کاشانی، ملا فتح الله. (۱۴۲۳ق.). *زبدة التفاسیر*. ج ۱. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کاظمی، جواد بن سعید. (۱۳۶۵). *مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام*. ج ۲. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- کلبینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. ج ۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مدیر شانه چی، کاظم. (۱۳۸۹). *آیات الأحكام*. ج ۸. تهران: سمت.
- معرفت، محمد هادی. (بی تا). *التمهید فی علوم القرآن*. بی جا: مؤسسه النشر الإسلامی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*. ج ۱. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۱. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- موسوی، سید عبدالاعلی. (۱۴۰۹ق.). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. ج ۲. بیروت: مؤسسه اهل بیت<sup>(ع)</sup>.